

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دادوری در پرتو شرع و قانون

جلد اول

www.ketab.ir

اثر:

دکتر جمال صالحی ذهابی

قاضی دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه

نشر حقوق پویا

سرشناسه: صالحی ذهابی، جمال
 عنوان قرارداد: ایران، قوانین و احکام
 عنوان و نام پدیدآور: دادرسی در پرتو شرع و قانون / اثر جمال صالحی ذهابی.
 مشخصات نشر: قم، حقوق پویا، ۱۴۰۲
 مشخصات ظاهری: وزیری، ۲۸۸ صفحه
 شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۸۲۳۹-۰۶-۴
 شابک جلد اول: ۹۷۸-۶۲۲-۸۲۳۹-۰۷-۱
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: ج. ۳ و ۴ (چاپ اول: ۱۴۰۲) (فیبا).
 موضوع: حقوق مدنی -- ایران -- دعاوی
 آرای حقوقی -- ایران
 حقوق مدنی (فقه) -- ایران
 آرای حقوقی (فقه) -- ایران
 رده‌بندی کنگره: KMH ۵۶۷
 رده‌بندی دیویی: ۳۴۸/۵۵۰۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۳۸۳۳۹

هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، کپی و Pdf و...) از این اثر بدون اخذ مجوز از ناشر خلاف قانون بوده و پیگرد قانونی دارد. لطفاً در صورت مشاهده موارد را به شماره تلفن‌های ذیل اطلاع دهید.

دادرسی در پرتو شرع و قانون / جلد اول



دکتر جمال صالحی ذهابی

■ ناشر: حقوق پویا ■ چاپ: اول ۱۴۰۲ ■ تعداد: ۲۰۰ نسخه ■ قیمت: ۳۰۵۰۰۰ تومان
 ■ شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۸۲۳۹-۰۶-۴ ■ شابک جلد اول: ۹۷۸-۶۲۲-۸۲۳۹-۰۷-۱

قم / خیابان ارم / جنب بانک ملی / پاساژ ناشران / پلاک ۲۲ تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۹۲۷۴

ثبت سفارش از طریق پیام‌رسان‌های ایتا و تلگرام توسط شماره: ۰۹۱۲۶۵۲۵۰۷۰

■ کانال تلگرام: haghoghhepoyapub
 ■ کانال پیام رسان بله: pooya_law
 ■ کانال ایتا: nashrehoghhepoya
 ■ کانال پیام رسان سروش: pooyalaw
 ■ فروشگاه اینترنتی: www.hpbook.ir

ارسال کتاب به تمام نقاط کشور

فهرست مطالب

۱۱.....	۱. ابطال رأی هیأت حل اختلاف، عملیات ثبتی مترتب بر آن و سند رسمی
۲۱.....	۲. ابطال عقد و وجود مبیع
۲۶.....	۳. ابطال قرارداد رهنی به قدر حصه
۳۷.....	۴. اثبات حقایق، رفع ممانعت و قلع و قمع
۴۳.....	۵. احکام متضاد و اعاده‌ی دادرسی
۴۸.....	۶. ادعای دادباختگان بر اعسار از محکوم به
۵۴.....	۷. اعتراض به تصمیم مدیر تصفیه
۵۷.....	۸. اعتراض ثالث اجرایی و اختلافات اجرایی
۶۱.....	۹. اعتراض ثالث به تاریخ توقف ورشکسته
۶۸.....	۱۰. اعتراض ثالث به حکم ورشکستگی
۷۲.....	۱۱. اعسار شرکت مُنحَل
۷۴.....	۱۲. اقاله به ضرر ثالث
۷۸.....	۱۳. اقرارنامه رسمی و ابطال آن
۸۴.....	۱۴. الزام آوری تقسیم مال مشاع
۹۱.....	۱۵. امانت نامه، فسخ یا بطلان آن
۹۹.....	۱۶. انتقال سند مرهون
۱۰۳.....	۱۷. انتقال عقد اجاره‌ی اوقاف
۱۱۰.....	۱۸. انتقال عقد یا مورد معامله
۱۱۷.....	۱۹. انتقال قدرالسهم از حقایق
۱۲۰.....	۲۰. اهلیت و سمت در دعوا

۱۲۶.....	۲۱. ایفای ناروا.....
۱۳۵.....	۲۲. بخشنامه و اعاده‌ی دادرسی.....
۱۳۸.....	۲۳. بطلان سند انتقال اجرایی ورشکسته.....
۱۴۵.....	۲۴. بطلان صورت مجلس تفکیکی.....
۱۵۰.....	۲۵. بطلان عقد فضولی از سوی اصیل.....
۱۶۰.....	۲۶. بطلان معامله به سبب عدم امکان جانمایی مبیع.....
۱۶۵.....	۲۷. بطلان نظریه‌ی تشخیصی منابع طبیعی.....
۱۷۴.....	۲۸. بی نفعی مدعی.....
۱۸۲.....	۲۹. بیمه آتش سوزی.....
۱۸۹.....	۳۰. بینة و بطلان بیع صوری.....
۱۹۹.....	۳۱. تأیید اقاله.....
۲۰۴.....	۳۲. تبانی برای بردن مال غیر.....
۲۱۳.....	۳۳. تنابع ضرر در کشاورزی.....
۲۱۸.....	۳۴. تثبیت حق ارتفاق.....
۲۲۳.....	۳۵. تجدیدنظر نسبت به تأمین خواسته کیفری.....
۲۲۷.....	۳۶. تجدیدنظرخواهی و مشتری در بیع.....
۲۳۱.....	۳۷. تخریب و تصرف عدوانی مال مشاع.....
۲۴۴.....	۳۸. تخلیه به سبب تعدی و تفریط.....
۲۴۹.....	۳۹. ترجیح کارشناسی بر شهادت.....
۲۵۸.....	۴۰. تسلیم ملک ثبتی.....
۲۶۳.....	۴۱. تصادف صوری.....
۲۷۱.....	۴۲. تصحیح رأی و خسارت تأخیر.....
۲۷۵.....	۴۳. تعارض در اسناد از جهت اشاعه و افراز.....
۲۸۴.....	۴۴. تعذر تسلیم و انفساخ عقد.....

صنعتی هستند و به حضرت استاد گفته اند هم در فرانسه راجع به آن موضوع، تحقیق می کنند و هم در ایران؛ نوشته ها، مقالات و کتاب هایی را که در آن خصوص دیگران نوشته اند، خوانده است و همچنین رساله ای دکتری شما که در مورد حق اختراع نوشته اید؛ با این حال آقای دکتر محمدزاده می فرمایند: هیچ یک از آن نوشته ها به کاملی رساله ای شما نمی باشد... در نگارش آن از منابع فرانسه و انگلیسی بهره گرفته است و .. پیشنهاد می کنند که آن را چاپ کنی!؛ سراپا گوش بودم و از دل نمی آمد که سخن بریده شود! گفتم: «آقای دکتر، سال ۱۳۸۹ آن را چاپ کردم، به راهنمایی و پامردی استاد عزیزم جناب آقای دکتر کاتوزیان و پیش جناب آقای محبوب در شرکت سهامی انتشار!؛ و نیز افزودم: «در سال انتشار کتاب، نامزد کتاب سال جمهوری اسلامی ایران هم شد...». اشعاری زیبا برآیم سرود همگی در زدودن نومیدی.. امیدواری به آینده.. و اینکه خیر تو در این باشد.. بدین گونه:

کی شعر تر انگیزد خاطر که جزین باشد	یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد
از لعل تو گر یابم انگشتی ز تبار	صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد
غمناک نباید بود از طعن حسود ای دل	نباید که جو وایی خیر تو در این باشد
هر کو نکند فهمی زین کلک خیال انگیز	نقشش به حرام از خود صورتگر چین باشد
جام می و خون دل هر یک به کسی دادند	در دایره قسمت اوضاع چنین باشد
در کار گلاب و گل حکم ازلی این بود	کاین شاهد بازاری وان پرده نشین باشد
آن نیست که حافظ را رندی بشد از خاطر	کاین سابقه پیشین تا روز پسین باشد ^۱

این گفتگوی دلنشین که از دل هر دو برمی آمد، روانم را بیش از پیش به پژوهش و نوشتن استوار ساخت و عزم جزم که همواره بخوانم و بنویسم!

بر آن شدم که نسخه ای از کتاب «حق اختراع» را خدمت حضرت استادی بفرستم؛ اما شرایط کرونایی به گونه ای بود که راه آسانتر و ایمن تری در پیش گرفته شود؛ سرانجام از راه واتساپ (whatsapp)، چنین پیام دادم:

۱. غزل شماره ۱۶۱ از غزلیات لسان الغیب حافظ رحمه الله تعالی.

«سلام علیکم استاد عزیزم؛ یاد گرم شما، همواره در دلم، شوق خواندن، نوشتن و پژوهش را می‌افزاید؛ الهی به حق جلال و بخت‌اندگیت، این نعمت را از بنده مگیر! اگرچه سعادت نبود که نسخه‌ی کتاب را خدمت حضرت استادی بفرستم، با این حال تمام کتاب بصورت فایل pdf به محضر مبارک فرستاده می‌شود تا که ان شاء الله در نظر مبارک آید!»؛ ایشان هم چنین پاسخ دادند:

«علیکم السلام دکتر صالحی بس عزیز

همانطور که تلفنی گفتم به نظر دکتر محمدرزاده که در این رشته صاحب‌نظر است کتابت از دیگر نوشته‌های مربوط به موضوع حق اختراع به زبان فارسی یک سر و گردن بلندتر است و در واقع بهترین آنهاست. از ابراز لطف در ارسال اینترنتی آن بی‌نهایت سپاسگزارم. آرزومند تندرستی و شادکامی خودت و خانواده‌ات و توفیقات بیشترت. درودیان»

شوری که در وجودم برآمد، مرا بر آن داشت که بنویسم و اثری دیگر به فرخندگی یاد استادم بنگارم که ان شاء الله در مرز و مدار کتاب «حق اختراع» باشد! رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: "إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى.."؛ از این روی به تأسی از این حدیث شریف و از آن جهت که سفارش شده است هر کس که بخواهد کتابی بنگارد، پس با این حدیث شریف آغاز نماید (= مَنْ أَرَادَ أَنْ يُصَنَّفَ كِتَابًا فَلْيَبْدَأْ بِهَذَا الْحَدِيثِ):

نخست اینکه در این نوشته بر الله جَلَّ وَعَلَا تکیه نمودم تا که نیت را برای روی مبارک و کریم خویش، ناب گرداند و برای رسیدن به رضوان بزرگ خود مدد رساند.

دوم آنکه در زمانی که برای نخستین بار آرای بنده در شعبه‌ی چهارم دادگاه عمومی (حقوقی) شهرستان کرمانشاه در دست طرفین دعوا، و کلاء و نمایندگان حقوقی قرار گرفت، دوستان زیادی گاه و بیگاه پیشنهاد چاپ آرایم را به بنده داده بودند؛ گاه این پیشنهاد آمیزه با درخواست و پافشاری بود! گاه هم پیشنهاد همکاری در چاپ آن، اگر بنده فراغت نندارم! در برابر این پیشنهادها و درخواست‌ها، احساس

تکلیف کردم که گاه سنگینی آن، مرا می‌آزرد! چون برای چرای چاپ نکردن آن، پاسخی درخور نمی‌توانستم داد! بر آن شدم که بدان پیشنهادها و درخواست‌ها پاسخ دهم.

دیگر آنکه احکام، قواعد و ضوابط شرع شریف که بنیان قوانین و آرای محاکم در کشور اسلامی است، اگر سرچشمه و بنیاد اندیشه‌ی قاضی قرار گیرد، در رسیدگی به دعاوی فرو نمی‌ماند و همواره به برونرفتی خوش انجام می‌رسد؛ به ویژه آنکه قانونگذاران - چه در قوانین عالی چه در قوانین عادی - خود اقرار دارند که "قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده.. ممکن است" .. متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد..؟! در همان حال انتظار می‌رود "سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین" به مدد شرع و احکام، قواعد و ضوابط آن زدوده شود؛ که این انتظار هم جز به فراگیری علوم شریعت میسر نمی‌شود:

تَعْلَمُ فَإِنَّ الْعِلْمَ زَيْنُ لِبَهِلَةٍ... وَفَضْلٌ وَعَتْوَانٌ لِكُلِّ الْمُحَامِدِ
وَكُنْ مُسْتَفِيداً كُلَّ يَوْمٍ زِيَادَةً... مِنْ الْعِلْمِ وَأَسْبَحْ فِي بَحَارِ الْقَوَائِدِ
تَفَقَّهُ فَإِنَّ الْفَقْهَ أَفْضَلُ قَائِدٌ... إِلَى الْبِرِّ وَالْتَّقْوَى وَأَعْدِلْ قَاصِدٌ
هُوَ الْعِلْمُ الْهَادِي إِلَى سُنَنِ الْهُدَى... هُوَ الْحِصْنُ يَنْجِي مِنَ جَمْعِ الشَّدَائِدِ
فَإِنَّ فِقْهَهَا وَاحِداً مُتَوَرِّعاً... أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ

این کتاب در برخی آرای است که در دوران تصدی قضاوت در دادگستری نوشته‌ام؛ نه واژه‌ای از این کتاب و نه حرفی از آرایم، بی‌وضوء نگاشته نشده است؛ آرای که آنها را به حسب موضوع، نام‌گذاری کرده‌ام؛ موضوع آراء را به ترتیب حروف الفبایی و به شمارش چیده‌ام تا که خواننده به پسند و نیاز خویش، به متن رأی رجوع کند؛ زیر هر عنوان، دو قسمت آمده است: اصول رأی و متن رأی؛ آنچه را که در قسمت «اصول رأی» نگاشته‌ام، متن قانون نیست؛ هر آنچه که در متون قوانین آمده است، به عنوان اصول رأی ذکر نموده‌ام؛ آن اصول - که هریک را شماره‌گذاری کرده‌ام -، قواعدی است که از مطالعه‌ی کتب و ممارست، فراگرفته‌ام و بنابر هر دعوا، راهنمای دادگاه در صدور رأی بوده و از آن بهره‌برده و بدان

اصول استناد نموده است؛ فراموش نتوان کرد که احکام شرع شریف نیز بر اصل، بنیان نهاده می‌شود و جز به یقین، برگشت (= عدول) از آن نمی‌شود (= احکام الشرع الشریف تبنی علی الأصل، فلا یعدل عنه إلا بیقین). کوشیده‌ام که آن اصول هم با جملاتی کوتاه بیان شود تا که خواننده را به کار آید و از آن، بهره‌ای برد؛ شمار آن اصول، در برخی از آراء، زیاد است و در برخی هم اندک.

پس از آن قسمت، متن رأی را که نگارنده در دوران تصدی شعبه‌ی دادگاه صادر نموده، با ذکر مشخصات کامل آن درج کرده‌ام؛ نه نامی از اصحاب دعوا، وکلاء و نمایندگان ایشان آمده است و نه نامی از مشخصاتی از دعوا همچون، پلاک ثبتی، شماره ثبت شرکت، دفترخانه و...؛ با این حال متن برخی مواد قانون یا آیین نامه را که ممکن است که در دسترس برخی از خوانندگان نباشد و نیز متن برخی از آرای وحدت رویه را در پاورقی، درج نموده‌ام؛ در برخی موارد عین متن رأی دادگاه نخستین که واجد شرحی به قدر کفایت در مورد دعوی بوده است، با حذف مشخصات اصحاب دعوا، با رعایت اختداری و بی تصرف در آن ذکر شده است؛ همچنین نام هیچ یک از همکاران قضایی که صادرکننده - و نه انشاءکننده - رأی بوده‌اند، در اینجا نیاورده‌ام تا که مسئولیت این اثر، بر گردن خودم باشد و نه دیگران! از این روی نقدهای عالمانه و منصفانه بر این اثر را بر دیده‌می‌نهم اگر از دست دوستی برآید و لغزش‌ها را بنمایاند و مرا به زدودن آن و پیمودن ره کمال آن یاری رساند!

از الله سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى چنین خواهم که این را به نفع علم و اهل آن آید و آن را به حُسن قبول پذیرا باشد.

وَأَخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ وَسَلَّم عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِهِ، وَأَصْحَابِهِ، وَالتَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.